

## رهبر ارکستر

بسیاری از مردم معتقدند که وظیفه و هدف رهبر ارکستر بسیار ساده است؛ او فقط باید در لحظه‌ای معین وزن و سرعت را بیک یا چند ساز نشان دهد، بعلاوه از چوبدستی رهبر ارکستر صدائی بیرون نیاید و از اینرو هنگامی که رهبری اشتباه می‌کند، بندرت کسی متوجه می‌شود.

درحقیقت رهبر ارکستر وظیفه پر مسئولیت و خطیری بعهده دارد؛ باید موسیقی‌دان کاملاً جامع الاطرافی باشد و بتواند یک اثر موسیقی را بهترین طرزى ادراك كند؛ همچنین باید در احساس ضرب و وزن بسیار آزموده و دارای گوشى چنان ورزیده باشد تا جزئی‌ترین اشتباه و یا عدم موازنه ارکستر از نظرش مخفی نماند.

معروف است که روزی ارکستر قطعه «L'oreille fine» اثر آهنگساز و رهبر ارکستر اتریشى گوستاو ماهر (Gustav Mahler) را تمرین میکرد. هنگامی که نوبت باجراى قسمت «فورتى سیمو» (Fortissimo) رسید ناگهان ماهر که خود رهبرى ارکستر را عهده‌دار



« فور تو انگلر »

بود از رهبری دست کشید و یکی از نوازندگان ویولون دوم گفت : « آقای عزیز ، البته شما درست میزدید اما خواهش میکنم بخش ویولون اول را نتوانید...! »

کار رهبر اورکستر در روی گرسی رهبری شروع نمی شود بلکه در منزل و اطاق کار او آغاز می گردد. در آنجا او اجزایات هر اثری را از لحاظ فنی و روانی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار میدهد و بحالاتی که در پشت نوتها مکتوم است ، پی می برد .

هنگامی که نخستین تمرین شروع می شود رهبر اورکستر باید کاملا با اثر آشنا شده باشد ، تا آنجا که بتواند اورکستر را از هر جهت رهبری کند . در واقع رهبر اورکستر حقیقی کسی است که بجای آنکه فکرش را متوجه پارتی اورکستر کند ، سراسر آنرا در فکر خود داشته باشد . اما مهم ترین رمز موفقیت رهبر اورکستر این است که بتواند جذب خود



« روسپو »

را به اور کستر منتقل کند، از این جهت باید دارای شخصیتی قوی باشد و از هر حیث بر کار خود تسلط داشته باشد.

در بسیاری از موارد رهبر اور کستر همچون يك فرمانده است. در این مورد می توان هکتور برلیوز را بعنوان مثال یاد کرد. وی روزی اعتراف کرد که هنگام رهبری فشار سردوشی های يك ژنرال را برشانه خود احساس می کند، در این حال بایک اشاره ساده آکورها را ب حرکت در می آورد و باعث نوعی انفجار می شود - اما انفجاری هم آهنگ ...!

با وجود همه اینها رهبر اور کستر در وهله نخست در خدمت آهنگساز است. او نماینده آهنگساز است و باید پیام آهنگساز را با وجود خود جذب و نمایان سازد. در ضمن عمل، احترامی که برای آهنگساز قائل است شوری در سر او میفکند و او را بصورت فرمانده خستگی ناپذیر و سرسختی در می آورد. آرتورو توسکانینی بزرگترین رهبر اور کستر دنیا اغلب به نوازندگان اور کستر بیش از اندازه بد رفتاری می کرد و حتی از تنبیه بدنی آنان نیز غافل





### « یوخوم »

نمی ماند! این امر شاید بنظر اندکی نامعقول جلوه کند اما پس از مطالعه دقیق تر حق را بجانب توسکانینی می‌دهیم. وی روزی در یک تمرین از نوازندگان سازهای بادی چوبی پرسید که آیا می‌توانند پاساژی را که با علامت «فورتی-سیمو» مشخص شده بلندتر بنوازند و نوازندگان آن پاساژ را دوباره نواختند و واقعاً این بار بلندتر و روشن‌تر شنیده شد. اما ناگهان توسکانینی دست از رهبری کشید و گفت: «پس شما می‌توانستید بلند بنوازید. پس چرا تا کنون اینطور نمی‌زدید. آیا خواهید؟ آیا هیچ احترامی نسبت به موسیقی در خود حس نمی‌کنید؟ بمن نگاه کنید، بسن پیرمرد که همه وجود خود را وقف اجرای این قطعه کرده‌ام...» پیرمرد گرانمایه در حالی که مشت‌های خود را بر سینه‌اش می‌کوفت، فریاد می‌زد و عرق از بدنش می‌چکید و در این حال بهمه اعضای اور کستر دشنام میداد؛ آنگاه بایک حرکت اهانت آمیز چو بدستی خود را به میان نوازندگان پرتاب کرد و ضمن اینکه به «احق» هائی که می‌توانستند

بلندتر بنوازند ولی نتواخته بودند، لعنت میکرد از آنجا دور شد ...  
 توسکانینی از خود بیخود شده بود زیرا نوازندگان او منتهای کوشش  
 خود را بذل نکرده و از مقدس‌ترین وظایف خود غفلت نموده بودند ...  
 رهبر اورکستر همچون یک نوازنده پیانو در حقیقت اورکستر را می-  
 نوازد و با حرکات و اشارات دست و صورت و قیافه و حتی نگاه خود موسیقی را  
 تحقق می‌بخشد. او شدت، موازنه صدا، تعابیر نوها و بسیاری مطالب دیگر  
 را به نوازندگان خاطر نشان می‌کند؛ مطابق افکار هنری خود مقاصد سازنده  
 آهنگ را در می‌یابد و بآن صورت خارجی می‌دهد و چون این مقاصد که بوسیله  
 نت‌ها حاصل میشود، گنگ و مبهم است، از اینرو رهبر اورکستر که آنها را  
 تفسیر می‌کند نوعی کار خلاق انجام می‌دهد. رنگ آمیزی ملایمی که برونو  
 والتر (Bruno Walter) به طنین سازهای زهی می‌بخشد، تعبیرات عالی و  
 عواطف عمیقی که بوسیله توماس بیچم (Sir Thomas Beecham) القاء  
 می‌شود، آمادگی بکار، قدرت خلاقه و استعداد فوق‌العاده ویکتور دسابتا  
 (Victor de Sabata) - اینها فقط برخی از کیفیاتی است که موسیقی را  
 جاندار می‌سازد. تنها نکته‌سنجی‌های ظریف، اشاره‌ای نامحسوس و ریزه-  
 کاریهای شخصی است که خصوصیات یک رهبر را نشان میدهد.

می‌توان گفت که کار رهبر اورکستر تحقق موسیقی‌ای است که روی کاغذ  
 ضبط شده است. هر رهبر بزرگ اورکستری با روش اختصاصی خود باین  
 مقصود نایل می‌شود؛ در نظر توسکانینی که ذاتاً از هنرمندان کلاسیک است  
 موسیقی بتنهائی می‌تواند خود نمائی کند؛ در نظر کوسوویتسکی هر شاهکاری  
 در حکم میدان جنگ است و او فرمانده میدان می‌باشد و فاتحانه برای تعالی  
 روح انسانی تلاش می‌کند. تنوع چاشنی زندگی است؛ این امر در مورد  
 رهبران اورکستر نیز صادق است. تفسیرهایی که از یک اثر موسیقی میشود  
 ممکن است یکسان نباشد و در عین حال نسبت به قصد آهنگساز وفادار بماند،  
 زیرا هر رهبری با مختصات خود جلوه تازه‌ای بیک اثر میدهد. این تنوع  
 عواطف شنوندگان را نسبت به زیبایی موسیقی بیشتر بر میانگیزد. یک رهبر  
 اورکستر طراز اول همیشه موسیقی دانی تمام عیار است، با وجود این هر

رهبری در يك زمینه معین تخصص بیشتری دارد . مثلاً يك رهبر با آثار موزار  
بیش از دیگران آشنائی دارد و به همین جهت با تسلط بیشتری آثار این استاد را  
تفسیر میکند . این نکته بخصوص از طرف مؤسسات درجه اول تهیه کننده صفحات  
موسیقی در نظر گرفته میشود ، به این معنی که برای پر کردن صفحات موسیقی  
از روی آثار يك استاد، رهبری برگزیده می شود که بخصوص وابسته و شیفته آن  
استاد باشد .

ترجمه امیر اشرف آریان پور



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی